

دانش و پژوهش
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره پنجم - پاییز ۱۳۷۹

صص ۴۱ - ۵۸

بررسی سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دوره متوسطه استانهای مازندران و گلستان

رمضان حسن‌زاده*

چکیده

پژوهش حاضر، سلسله‌مراتب ارزشها را در دانش‌آموزان دوره متوسطه بررسی کرده است. بدین منظور ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانهای استان مازندران و گلستان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و طبقه‌ای انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه سنجش ارزشهای آلپورت، ورنون، و لیندزی (A.V.L) پاسخ دادند. نتایج نشان داد که سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان متفاوت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دختر و پسر معنادار است. سطح تحصیلات والدین با سلسله‌مراتب ارزشهای فرزندان رابطه دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان پایه‌های تحصیلی اول و دوم متوسطه با سوم و چهارم متوسطه متفاوت است. همچنین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان شهری و روستایی متفاوت است.

* - عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساری.

مقدمه

ارزشها، نگرش‌ها و علایق از جنبه‌های بسیار مهم شخصیت انسان هستند. ماهیت و نیرومندی ارزشها بر پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی، روابط بین فردی، رضامندی از فعالیت‌ها و سایر جنبه‌های زندگی روزانه مؤثرند.

ارزشها تجاری را که ما بویژه با اهمیت تلقی می‌کنیم، به شکل نمادین خلاصه می‌کنند. فرایند ارزش‌گذاری بخشی از طبیعت انسان است. نظام ارزشی یک شخص تعیین می‌کند که یک تجربه چقدر معنا دارد، چه مقدار هیجانی را برمی‌انگیزد و در آینده چه ارزشی خواهد داشت. به عقیده رولومی^۱ (۱۹۶۷)، نوعی الگوی رشدی^۲ در شکل‌گیری ارزشها وجود دارد. بعد از تولد، محبت، مراقبت و تغذیه‌ای که مادر فراهم می‌کند، با ارزش‌تر می‌شود، هرگونه تهدید این نیازها سبب می‌شود که نوزاد اضطراب را تجربه کند. همچنان‌که کودک رشد می‌یابد، موضوعاتی مانند پذیرش، موفقیت و جایگاه در بین همسالان ارزشمند می‌شوند (به نقل از هرگنهان و اُلسون،^۳ ۱۹۹۹).

وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تعلیم معیارهای اخلاقی و ارزشی^۴ و شکل‌دهی و تقویت کاربرد رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. هرچند که در فرهنگ‌های مختلف ارزشها و رفتارهای خاص که مطلوب تلقی شده متغیر هستند، اما همه جوامع در مورد درست و غلط بودن برخی رفتارها، دارای نظامی از قواعد هستند. از کودک و نوجوان انتظار می‌رود که این قواعد را بیاموزد و هنگام تخطی از آنها احساس گناه یا ناراحتی عاطفی کند و هنگام پیروی از آنها احساس رضایت و خرسندی به او دست دهد.

قرن حاضر را دوران تحول و تزلزل ارزشها نامیده‌اند، در جوامع کنونی مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌اند، مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی و برابری انسانها مورد تعبیر و تفسیرهای مختلف قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده‌اند. عیناً مانند تزلزل ارزشها در جامعه، در دوره نوجوانی ارزشها متحول می‌شوند و مفاهیم ارزشی مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرند (احمدی، ۱۳۶۹).

به نظر «دیس»^۵ نظام ارزشها در جوار دنیای علم و اطلاعات در جوانان پایه‌گذاری

-
- | | |
|-----------------------|-----------------------------|
| 1- Rollo May | 2- Developmental pattern |
| 3- Hergenhahn & Olson | 4- Values & Moral standards |
| 5- Debesse | |

می‌شود و به تنظیم رفتار و مشخص نمودن عقاید آنان کمک می‌کند. اشپرانگر معتقد است که در دوره تحول نوجوانی، ارزشهای اساسی زندگی به ترتیب اهمیت، به صورتی قطعی‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرند، ارزشهای حاکم بر فرد تعیین‌کننده نوع شخصیت او به شمار می‌روند (همان منبع).

ارزشها مفاهیمی مطلوب، یادگرفته شده و سازه‌های نظری هستند که انتخابها براساس آنها صورت می‌گیرد و فرد را به عمل و می‌دارند (احمدی، ۱۳۶۹). روان‌شناسی به هر چیزی که یکی از احتیاجات ما را برآورده سازد ارزش می‌گوید؛ که ممکن است یک موجود زنده، یک حادثه، یک فکر یا شیء باشد. مفهوم ارزش عبارت است از احساس قدری که برای چیزی قایل هستیم، پس ارزش یک مفهوم ذهنی است و با قیمت تجاری محصولی که از بازار می‌خریم و یا خدمتی که با فرد جبران شود ارتباطی ندارد (قشلاقی، ۱۳۷۱).

ارزشها هدفهای گسترده و انتزاعی‌اند و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع هستند. شجاعت، زیبایی و آزادی ارزش‌اند، آنها به‌عنوان معیارهایی برای قضاوت یا معیارهایی انتزاعی^۱ عمل می‌کنند که شخص از آنها برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از آن طریق نگرشها و باورهای خاص را در خود ایجاد می‌کند (کریمی، ۱۳۶۸). به نظر راکیچ^۲ (۱۹۷۳) نظام ارزشی در برگیرنده سلسله‌مراتبی از ایده‌آل‌هاست، به طوری که یک فرد بزرگسال دارای ده هزار اعتقاد و هزاران نگرش است، اما تعداد ارزشهای او محدود است. دونالد سوپر نیز رابطه بین نیازها، ارزشها و علائق را به صورت الگویی سلسله‌مراتبی می‌بیند (نقل از گیلک، ۱۳۷۳).

هرگنهان و والسون^۳ (۱۹۹۹) در کتاب «مقدمه‌ای بر نظریه‌های شخصیت» به نقل از می (۱۹۶۷) ضمن بیان فرایند رشدی ارزشها به «ارزشهای رشدیافته»^۴ اشاره می‌کند. ارزشهای رشد یافته با تأکید بر آزادی، آینده و برتری حالت انسان، ماهیت انسان را نشان می‌دهند. ملاک ارزشهای رشد یافته از ویژگیهای متمایزکننده انسان ناشی می‌شود. آنها از موقعیت فعلی انسان فراتر رفته و گذشته و آینده را نیز در بر می‌گیرند. هر چقدر ارزشهای یک فرد بیشتر رشد کند، برای او ارضا یا عدم ارضای واقعی آنها چندان اهمیت نخواهد داشت. ارضا و امنیت به نگهداری ارزشها بستگی دارد. برای دانشمندان

1- Abstract standards

2- Rokeach

3- Hergenhahn & Olson

4- Mature Values Holding

واقعی و یا افراد مذهبی یا هنرمندان، امنیت و اعتماد از آگاهی آنها نسبت به فداکاریشان برای جست‌وجوی حقیقت و زیبایی ناشی می‌شود تا یافتن آنها.

رشد شخصیت نوجوانان تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی قرار دارد و تغییر در سه مورد بیشتر به چشم می‌خورد: ۱- کشف من یا خود ۲- تشکیل تدریجی طرحی برای زندگی ۳- ایجاد یک نظام ارزشی شخصی. نوجوان تمام روابط و باورهایی را که در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است مورد پرسش و تردید قرار می‌دهد و سعی می‌کند با توجه به شخصیت شکل‌پذیر و استقلال‌جوی خود، نظامی از ارزشها دربارهٔ زیبایی، حقیقت، قدرت و دین به دست آورد. نوجوانی دوره‌ای از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد که به‌خصوص برای طرح سؤال دربارهٔ ارزشها و اصول اخلاقی مساعد است (وندرزندن،^۱ ترجمهٔ گنجی، ۱۳۷۶).

مانهیم^۲ معتقد است که در لحظه‌های خاص تاریخ، گاهی نسل جوان چنان آگاهی دقیقی برای خود تصور می‌کند که به نظر می‌رسد، صاحب ایدئولوژی متمایزی است. بنابراین، نسل جوان برای فاصله گرفتن از ایدئولوژی مسلط، می‌تواند افکار و ارزشهای تازه‌ای اتخاذ کند و بدین وسیله بین نسل‌ها شکاف به وجود آورد. انسان دارای قوهٔ تعقل و تفکر است و به همین دلیل مدام دربارهٔ محیط اطراف خود، افراد، اشیاء و اموری که اتفاق می‌افتد، به داوری و ارزش‌گذاری می‌پردازد. این ارزش‌گذاری نسبت به امور در افراد مختلف متفاوت است و قضاوت و جهت‌گیری هر فرد متأثر از ارزشهای اوست (به نقل از شمسیان، ۱۳۷۲).

انتخاب‌های انسان براساس ارزشهای وجودیش صورت می‌گیرد و اعمال و رفتار انسان نیز بر اساس همان نظام ارزشی جهت پیدا می‌کند. نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است، به عبارتی ارزش با تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر اینکه حتی ارزشهای یک جامعه در گروه‌های مختلف، متفاوت است. مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته‌اند شاید بزرگسالان طرد کنند و یا کمتر قبول داشته باشند (برک،^۳ ۱۹۹۴).

گذشت زمان در دیدگاهها و باورها و فرهنگ جوامع تغییر و تحول ایجاد می‌کند، ارزشهای افراد که از فرهنگ و تمدن ملی و قومی پدید آمده‌اند از این تحول به دور نمی‌مانند. شاید بتوان تحول ارزشها در میان اکثریت اقشار مردم ایران پس از انقلاب

اسلامی را شاهدی روشن بر این مطلب ذکر نمود که پس از وقوع انقلاب بسیاری از ارزشهای مرتبط با نظام اجتماعی و سیاسی متحول شد و ارزشهای جدیدی مانند وحدت ملی، ایثار، فداکاری و تقیّد مذهبی جایگزین آنها گردید.

ارزشها نسبتاً با ثبات و پایدارند. ارزشهای امروز فرد، احتمالاً با ارزشهای گذشته او و ارزشهایی که در آینده خواهد داشت، شباهت بسیاری دارند. دوام ارزشها را می‌توان بر پایه نحوه یادگیری اولیه آنها تعریف کرد. ارزشها زمینه اخلاقی دارند، این زمینه اخلاقی نظریه‌های خود را در مورد صحیح و خوب و یا مطلوب بودن چیزی با خود به همراه دارد. کار نظامهای ارزشی، تعیین اولویت برای ارزشهای فرد در ارتباط با اهمیت نسبی آنهاست. به عبارت دیگر، همه ما مجموعه ارزشهایی داریم که نظام ارزشی ما را تشکیل می‌دهند. ارزشهای ما از نظر ما اهمیت دارند و بر رفتار و کردارمان تأثیر می‌گذارند (روشه،^۱ ترجمه زنجانی‌زاده، ۱۳۷۰).

یکی از ویژگیهای اصلی ارزشها، سلسله‌مراتبی بودن^۲ آنهاست. فلورانس کلوکن^۳ و فرد استرودتبک^۴ (۱۹۶۱) در این زمینه تحقیقی انجام داده و به نتایج زیر رسیده‌اند:

- ۱- انتخاب‌های فرد در زمینه‌های مختلف، متفاوت است.
- ۲- راه‌حل ترجیح داده شده در هر زمینه، متفاوت است.
- ۳- ارزشهای متفاوت تطابق‌های فردی متفاوتی را از جانب شخص واحد ممکن می‌سازد.
- ۴- نظام ارزشهای یک جامعه فقط از ارزشهای مسلط تشکیل نشده‌اند، بلکه شامل مجموعه‌ای است که به شکل سلسله‌مراتب متغیر درهم آمیخته‌اند. پارسونز (۱۹۵۱) نیز در تحقیق خود به وجود سلسله‌مراتب ارزشها در انسان پی برد (به نقل از روشه، ترجمه زنجانی‌زاده، ۱۳۷۰).

درخصوص ساختار ارزشها باید نظریه اشپرانگر (نقل از آناستازی، ۱۹۹۰) که افراد را بر حسب علاقه و ارزش دادن به چیزها به شش طبقه یا سنخ تقسیم می‌کند مطرح گردد:

- ۱- سنخ نظری^۵: رغبت اصلی فرد نظری کشف حقیقت است. در راه این مقصود وی بازخوردی شناختی^۶ دارد. هدف اصلی چنین فردی در زندگی مرتب کردن و منظم کردن معلوماتش است، لذا ضرورتاً فردی باهوش و اصولاً عالم یا فیلسوف است.

1- Roher

2- Hierarchy

3- Florence R. Kluckhohn

4- Fred L. Strodbeck

5- Theoriceal

6- Cognitive Feedback

۲- سنخ اقتصادی^۱: علاقه فرد اقتصادی به چیزی است که سودمند باشد. امروزه علاقه به سود و فایده اشیا، که در اصل مبتنی بر تأمین احتیاجات جسم انسان بوده است، معطوف به جنبه‌های عملی دنیای تجارت یعنی تولید و فروش، مصرف اجناس، تسهیلات اعتباری و ازدیاد و تراکم ثروت عینی می‌باشد. در زندگی فرد سنخ اقتصادی احتمالاً تجمل را با زیبایی اشتباه می‌گیرد و در روابط با مردم میل دارد که از نظر ثروت بر دیگری برتری داشته باشد.

۳- سنخ زیباشناختی^۲: سنخ هنری و زیباشناختی (زیباپسند) ارزش را در شکل و توازن می‌بیند. هر تجربه واحد از نظر زیبایی با توازن یا تناسب سنجیده می‌شود. او زندگی را سلسله اتفاقات می‌بیند و از هر خاطره مهیجی به خاطر خود آن خاطره لذت می‌برد.

۴- سنخ اجتماعی^۳: بالاترین ارزش این سنخ عشق به مردم است. فرد اجتماعی سایر اشخاص را غایت و هدف می‌داند، بنابراین مهربان و نسبت به مردم همدرد و بی‌غرض است. شخص اجتماعی دوست داشتن مردم را یگانه نوع مناسب در روابط انسانی می‌داند.

۵- سنخ سیاسی^۴: فرد سیاسی در درجه اول علاقه‌مند به قدرت است، ولی فعالیت‌های وی منحصر به رشته محدود سیاست نیست. چنین فردی در هر شغلی طالب قدرت است. به عبارت دیگر، اشخاص رهبر و پیشرو در هر زمینه‌ای که باشد دارای ارزش سیاسی قوی هستند.

۶- سنخ مذهبی^۵: قویترین ارزش فرد مذهبی را می‌توان «وحدانیت» نامید. او صوفی منش است و می‌خواهد جهان را به‌طور یکپارچه ببیند و خودش را با تمامیت جهان در نظر بگیرد. فرد مذهبی دائماً متوجه ایجاد بالاترین و اقناع‌کننده‌ترین ارزش‌هاست. او در هر واقعه‌ای مشیت الهی را می‌بیند (زمردیان، ۱۳۵۱).

در یک تحقیق طولی یا تحولی نگر^۶ با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسی مطالعه‌ای در ارزش‌های نوجوانان ژاپنی انجام شد. نتایج نشان داد که در اوایل یا میانه دوره نوجوانی، ارزش‌های برتر در رفتار اجتماعی جابه‌جا می‌شود. مردان به ارزش‌های رفتار مستقل مانند رهبری بیشتر اهمیت می‌دهند، در صورتی که جنسیت دختران اطاعت‌پذیری و تسلیم‌پذیری و همدردی است که نمرات بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد (نقل از شمسیان، ۱۳۷۲).

در تحقیقی زیر عنوان «ارزش‌های اخلاقی تعدادی از نوجوانان استرالیایی» یک

1- Economic

2- Aesthetic

3- Social

4- Political

5- Religious

6- Longitudinal

مقالهٔ فرافکن^۱ به تعدادی از نوجوانان دختر و پسر داده شد. نتایج نشان داد که دختران بیشتر از پسران بر یکپارچگی شخصیت و ارزشهای اجتماعی تأکید می‌کردند و ازدواج را به عنوان یک هدف می‌نگریستند و در انتخاب از جنس مخالف زیاد دقت داشتند. پسرها بر آزادی بیان و آزادی رقابت به عنوان ارزشهای مسلط یاد می‌کردند. رویکرد منطقی نسبت به کنش‌های اخلاقی با بالا رفتن سن در ارتباط بود. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که سلسله‌مراتب ارزشها با توجه به موقعیت جغرافیایی (شهری - روستایی)، جنس، سن، شرایط زندگی در بین نوجوانان متفاوت است (نقل از شمسیان، ۱۳۷۲).

لی و مارکس^۲ (۱۹۹۰) در تحقیقی که بر روی ۱۵۳۳ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین سلسله‌مراتب ارزشها، نگرشها و پیامدهای رفتاری (مانند پیشرفت تحصیلی) دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. در مطالعهٔ بین فرهنگی که هدفش به دست آوردن تفاوت بین نوجوانان بزهکار در مقوله‌های ارزشی بود، ۱۶ آزمودنی مرد بزهکار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در مقایسه با گروه گواه از نظر ادراک ارزشهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که نوجوانان بزهکار نسبت به ارزشهای اجتماعی و تعهدات سیاسی کم توجه‌تر از نوجوانان غیر بزهکار هستند (هرداک و راسان،^۳ ۱۹۸۰، نقل از برک، ۱۹۹۴).

کلک‌لی^۴ (۱۹۸۹) در تحقیقی به این نتیجه رسید که نوجوانانی که در ابعاد اجتماعی یا ارزشهای اجتماعی در سطح پایین هستند، در فرایند رشد اجتماعی اختلال داشته و نتوانسته‌اند معیارها، مقررات و ارزشهای جامعهٔ خود را درونی کنند (ساراسون و ساراسون،^۵ ۱۹۹۸).

عبدالامیرگیلک (۱۳۷۳) در تحقیقی به این نتیجه رسید که پسران بیشتر از دختران در موارد اخلاقی با والدین خود اختلاف دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که در پرسشنامهٔ سلسله‌مراتب ارزشها، در پسران ارزشهای اقتصادی و سیاسی بالاتر بود، ولی در دختران ارزشهای زیبایی‌شناختی، مذهبی و اجتماعی.

عبیدی^۶ (۱۹۹۳) در تحقیقی که بر روی ۲۹۶ دانش‌آموز دبیرستانی انجام داد نشان داد که سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان تحت تأثیر سطح سواد، شرایط اقتصادی و ارزشهای پذیرفته شدهٔ والدینشان است. به نظر می‌رسد که بین سطح سواد

1- Projective

2- Lee & Marks

3- Herdak & Rassan

4- Cleckley

5- Sarason & Sarason

6- Obidi

والدین و نظام ارزشی کودکان و نوجوانان ارتباط نزدیک وجود دارد. همچنین نحوه فرزندپروری در خانواده در پذیرش ارزشهای فرهنگی و خانوادگی اثر قاطع می‌گذارد. به‌نحوی که در کشورهای آمریکایی به ارزشهای فردی و رشد و پیشرفت فردی تأکید می‌کنند، ولی در کشورهای شرقی (مانند ایران، ژاپن، چین) به ارزشهای اجتماعی، قبول و پذیرش ارزشهای خانوادگی و بومی تأکید دارند. لذا، متناسب با چنین تأکیداتی نظام ارزشی نوجوانان نیز به‌طور متفاوت رشد می‌کند.

اکلس^۱ و همکاران (۱۹۹۸) در تحقیق گسترده‌ای به بررسی تأثیر تغییر در اوضاع و احوال مدرسه و خانه بر عقاید، ارزشها، انگیزه‌ها و رفتارهای نوجوانان در چند حیطه فعالیتی آنها پرداخت. ۱۴۵۰ دانش‌آموز که از مقطع راهنمایی به دبیرستان می‌رفتند، پرسشنامه‌ای را تکمیل کردند. داده‌ها این فرض را تأیید کرد که تغییر در شرایط مدرسه، شرایط خانه و شرایط رشدی نوجوانان باعث تغییر در عقاید، ارزشها، انگیزه‌ها و رفتارهای نوجوانان می‌شود. همچنین کوهن راز^۲ (۱۹۸۲) نیز در تحقیقی که بر روی گروهی از نوجوانان فرانسه انجام داد به این نتیجه رسید که تغییر محیط شناختی و محیط اجتماعی نوجوانان باعث تغییر در وضعیت تحصیلی و نظام ارزشی آنها می‌شود (نقل از احدی و محسنی، ۱۳۷۰).

هرگنهان و السون (۱۹۹۹) به نقل از می در مورد اهمیت ارزشهای مناسب در زندگی نوجوانان می‌گویند: «وقتی که ما ارزشهای مناسب نداریم، از دنیا احساس بیگانگی می‌کنیم و احساس هویت، ارزش و اهمیت خود را از دست می‌دهیم... بدون یک نظام ارزشی نیرومند، برای شخص مشکل است که یک جریان عمل و یا شیوه زندگی را انتخاب کند... بحران هویت در نوجوانان زمانی ایجاد می‌شود که ارزشهای ماندنی و ثابت و متناسب با زمان را نداشته باشند» (ص ۴۲).

فرضیات تحقیق

با توجه به تحقیقات انجام شده و نظریه‌های مختلف و بررسی متون مربوط به موضوع تحقیق، فرضیه‌های تحقیق حاضر به قرار زیر تدوین شدند:

- ۱- بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دوره متوسطه و سطح سواد والدین رابطه وجود دارد.

۳- بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان پایه اول، دوم و پایه سوم و چهارم متوسطه تفاوت وجود دارد.

۴- بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دوره متوسطه شهری و روستایی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق و آزمودنیها

آزمودنیهای این پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستانهای استان مازندران و گلستان هستند که در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند. از بین کلیه دانش‌آموزان ۹۴۶ نفر (۵۰۴ نفر پسر و ۴۴۲ نفر دختر) به پرسشنامه این پژوهش پاسخ دادند. نمونه مورد بررسی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و طبقه‌ای (مختلط) انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه سنجش ارزشهای آلپورت، ورنون و لیندزی (A.V.L)^۱ استفاده شد. پرسشنامه سنجش ارزشهای آلپورت، ورنون و لیندزی به منظور سنجش شش حوزه اصلی نگرشهای ارزشی (شامل ارزشهای نظری، اقتصادی، زیباشناختی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی) تهیه شده است (آناستازی، ۱۹۹۰). پایایی^۲ پرسشنامه سنجش ارزشها به روش دو نیمه کردن^۳ نمرات ششگانه از ۰/۸۴ تا ۰/۹۵ بوده است. و از طریق بازآزمایی^۴ بعد از یک یا دو ماه بین ۰/۷۷ و ۰/۹۳ بوده است. اعتبار^۵ آن بیشتر براساس گروههای شناخته شده (همتا) بررسی شده است. بین نمره‌های این پرسشنامه و برخی از آزمونهای دیگر از قبیل، رغبت‌سنج شغلی استرانگ^۶ یا نگرش‌سنج‌های نوع ترستون^۷ نیز روابط معناداری به دست آمده است (آناستازی، ۱۹۹۰).

نتایج

برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون دو نمونه‌ای کولموگروف - اسمیرونف^۸ استفاده شد.

1- Allport, Vernon, & Lendezy

3- Split-half

6- Strong

4- Test-retest

7- Thurstone

2- Reliability

5- Validity

8- Kolmogorov-Smirnov

جدول ۱- مربوط به آزمون فرضیه شماره ۱ (تفاوت میان نوجوانان دختر و پسر)

	ارزشها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
	شاخصهای آماری گروهها						
	۴۵/۶۹	۳۹/۳۴	۴۱/۳۴	۳۶/۶۸	۳۸/۷۶	۳۸/۸۳	میانگین گروه اول (پسر) F
N=۵۰۴	۴۵/۶۹	۸۵/۰۳	۱۲۶/۳۷	۱۶۳/۰۵	۲۰۱/۸۱	۲۴۰/۶۴	فراوانی تراکمی FC
	۰/۰۹۱	۰/۱۶۹	۰/۰۵۲	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۴۸	درصد فراوانی تراکمی CP
	۴۶/۹۱	۳۸/۶۱	۴۱/۲۸	۳۸/۲۵	۳۷/۵۹	۳۸/۰۵	میانگین گروه دوم (دختر) F
N=۴۴۲	۴۶/۹۱	۸۵/۵۲	۱۲۶/۸	۱۶۵/۰۵	۲۰۲/۶۴	۲۴۰/۶۹	فراوانی تراکمی FC
	۰/۱۰۶	۰/۱۹۳	۰/۲۸۷	۰/۳۷	۰/۴۶	۰/۵۴	درصد فراوانی تراکمی CP
	۰/۱۵۱	۰/۰۲۴	۰/۲۳۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۶	$ D=CP-CP $

$$K=3/6$$

در مورد فرضیه اول، با توجه به اینکه K محاسبه شده (۳/۶) در سطح آلفای ۰.۵ (P < ۰.۵) از K جدول (۱/۳۶) بزرگتر است. بنابراین، فرض پوچ (H₀) رد می شود و فرض تحقیق (H₁) که بیان می کند: «بین سلسله مراتب ارزشهای دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد» تأیید می شود.

جدول ۲- مربوط به آزمون فرضیه شماره ۲ (تفاوت بین دو گروه سواد والدین)

		ارزشها									
		دینی		سیاسی		اجتماعی		زیباشناختی		اقتصادی نظری	
		شاخصهای آماری گروهها									
میانگین گروه اول (سواد پایین) F		۴۶/۸۸	۳۸/۶۴	۴۱/۳۵	۳۷/۴۱	۳۷/۵۲	۳۸/۳۰				
فراوانی تراکمی FC		۴۶/۸۸	۸۵/۵۲	۱۲۶/۸۷	۱۶۲/۲۸	۲۰۱/۸	۲۴۰/۱	N=۶۷۷			
درصد فراوانی تراکمی CP		۰/۰۶۹	۰/۱۲۹	۰/۱۸۷	۰/۲۴۲	۰/۲۹۸	۰/۳۵۴				
میانگین گروه دوم (سواد بالا) F		۴۴/۷۶	۳۹/۲۸	۴۰/۶۷	۳۷/۶۷	۳۸/۳۴	۳۹/۱۴				
فراوانی تراکمی FC		۴۴/۷۶	۸۴/۰۴	۱۲۴/۸۱	۱۶۲/۳۸	۲۰۰/۷۲	۲۳۹/۸۶	N=۲۶۱			
درصد فراوانی تراکمی CP		۰/۱۷۱	۰/۳۲۱	۰/۴۷۷	۰/۶۲۲	۰/۷۶۹	۰/۹۱۹				
D=CP-CP		۰/۱۰۲	۰/۱۹۵	۰/۲۹	۰/۳۸	۰/۴۷۱	۰/۵۶۵				

$$K = v/v_5$$

در مورد فرضیه دوم، با توجه به اینکه K محاسبه شده (۷/۷۵) در سطح آلفای ۰/۵ (P < ۰/۵) از K جدول (۱/۳۶) بزرگتر است. بنابراین، فرض پوچ (H_۰) رد می شود و فرض تحقیق (H_۱) که بیان می کند: «بین سلسله مراتب ارزشهای دانش آموزان و سواد والدین تفاوت وجود دارد» تأیید می شود.

جدول ۳- مربوط به آزمون فرضیه شماره ۳ (تفاوت دو گروه پایه تحصیلی)

		ارزشها					
		سیاسی اجتماعی زیباشناختی اقتصادی نظری					
		شاخصهای آماری گروهها					
میانگین گروه اول و دوم متوسطه F		۴۵/۵۹	۳۸/۴۳	۴۱/۱۷	۳۷/۰۱	۳۸/۲۳	۳۹/۶۲
فراوانی تراکمی FC		۴۵/۵۹	۸۴/۰۲	۱۲۵/۱۹	۱۶۲/۲	۲۰۰/۴۳	۲۴۰/۰۵
درصد فراوانی تراکمی CP		۰/۰۸۴	۰/۱۵۵	۰/۲۳۱	۰/۳۰۰	۰/۳۷۱	۰/۴۴۴
میانگین گروه دوم و چهارم متوسطه F		۴۶/۶۷	۳۹/۲۹	۴۰/۹۹	۳۸/۱۱	۳۷/۳۹	۳۷/۲
فراوانی تراکمی FC		۴۶/۶۷	۸۵/۹۶	۱۲۶/۹۵	۱۶۵/۰۶	۲۰۲/۲۵	۲۳۹/۶۵
درصد فراوانی تراکمی CP		۰/۱۱۴	۰/۲۱۱	۰/۳۱۲	۰/۴۰۶	۰/۴۹۸	۰/۵۹۰
D=CP-CP		۰/۰۳	۰/۰۵۶	۰/۰۸۱	۰/۱۰۶	۰/۱۲۷	۰/۱۴۶

$$K = 2/22$$

در مورد فرضیه سوم، با توجه به اینکه K محاسبه شده (۲/۲۲) در سطح آلفای ۰.۵ (P < ۰.۵) از K جدول (۱/۳۶) بزرگتر است. بنابراین، فرض پوچ (H_۰) رد می شود و فرض تحقیق (H_۱) که بیان می کند: «بین سلسله مراتب ارزشهای دانش آموزان پایه اول و دوم و پایه سوم و چهارم متوسطه تفاوت وجود دارد» تأیید می شود.

جدول ۴- مربوط به آزمون فرضیه شماره ۴ (شهری - روستایی)

شاخصهای آماری گروهها	ارزشها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول شهری F	۴۵/۶۶	۳۸/۹۳	۴۰/۹۴	۳۸/۰۸	۳۸	۳۸/۸۶	
فراوانی تراکمی FC	۴۵/۶۶	۸۴/۵۹	۱۲۵/۵۳	۱۶۴/۶۱	۲۰۱/۶۱	۲۴۰/۴۷	N=۵۹۷
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۰۷۶	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۳۴	۰/۴۰	
میانگین گروه دوم روستایی F	۴۶/۹۴	۳۹/۰۲	۴۱/۶۸	۳۶/۸۸	۳۸/۳۵	۳۸/۰۲	
فراوانی تراکمی FC	۴۶/۹۴	۸۵/۹۶	۱۲۷/۶۴	۱۶۴/۵۲	۲۰۲/۸۷	۲۴۰/۸۹	N=۳۴۹
درصد فراوانی تراکمی CP	۰/۱۳	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۴۷	۰/۵۸	۰/۶۹	
D=CP-CP	۰/۰۵۴	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۲	۰/۲۴	۰/۲۹	

$$K = ۴/۳۰۳$$

در مورد فرضیه چهارم، با توجه به اینکه K محاسبه شده (۴/۳۰۳) در سطح آلفای ۰.۰۵ (P < ۰.۰۵) از K جدول (۱/۳۶) بزرگتر است. بنابراین، فرض پوچ (H₀) رد می‌شود و فرض تحقیق (H₁) که بیان می‌کند: «بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد» تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در قسمت نتایج ملاحظه شد، همه فرضیه‌های تحقیق تأیید شدند. با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه اول می‌توان گفت که بین سلسله‌مراتب ارزشهای دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت می‌تواند به دلایل مختلف مانند جنسیت، تفاوت در شیوه‌های تربیتی والدین نسبت به دختران و پسران، تفاوت در رشد اخلاقی و ارزشی آنها، تصورات اجتماعی نسبت به دختران و پسران باشد.

نتایج نشان داد که اگر چه ارزش دینی در هر دو جنس بالاترین ارزش است، لیکن سلسله‌مراتب سایر ارزشها بین دو گروه متفاوت است. در مطالعه و گزارش احدی و محسنی (۱۳۷۰) نیز نشان داده شد که عامل جنسیت ممکن است در شکل‌گیری عقاید و باورهای نوجوانان سهم بسزایی داشته باشد. تحقیق گیلیگیان (۱۹۸۲) نشان داد که دختران، ادراک خود از واقعیت را به شیوه پسران سازمان نمی‌دهند. به علت تربیت سنتی، برای دختران معمولاً روابط بین اشخاص و روابط اجتماعی ارزش دارد. برای پسران کسب استقلال، بویژه استقلال اقتصادی، ارزش دارد. در تحقیق حاضر نیز به نتایج مشابهی دست پیدا کردیم (نقل از وندر زندن، ترجمه گنجی، ۱۳۷۶).

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه دوم می‌توان گفت که بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان و سواد والدین تفاوت وجود دارد. سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان در سطح سواد پایین (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی) و در سطح سواد بالای والدین (متوسطه، دیپلم، و بالاتر) متفاوت است. پدر و مادر اولین کسانی هستند که زیربنای شکل‌گیری ارزشها، نگرشها و شخصیت نوجوان را می‌گذارند. ویژگیهای والدین مانند سطح توانایی، سطح سواد، شغل و... در جهتگیری اخلاقی و رشد ارزشهای کودکان و نوجوانان مؤثر است. نوجوانان سعی می‌کنند تا حد امکان از جهتگیری والدین خود تبعیت نمایند (احمدی، ۱۳۶۹). شواهد متعدد نشان می‌دهند که بین ارزشهای نوجوانان و سطح سواد و پایگاه اجتماعی والدین رابطه وجود دارد. عبیدی (۱۹۹۳) نیز در تحقیق خود نشان داد که بین واکنش دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به ارزشهای اخلاقی و سطح سواد و پایگاه اجتماعی والدین ارتباط وجود دارد.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه سوم می‌توان گفت که بین سلسله‌مراتب ارزشها در پایه اول - دوم و پایه سوم - چهارم تفاوت وجود دارد. سلسله‌مراتب ارزشهای

دانش‌آموزان در پایه اول - دوم به ترتیب: دینی، اجتماعی، نظری، سیاسی، اقتصادی و زیباشناختی و در پایه سوم - چهارم به ترتیب: دینی، اجتماعی، سیاسی، زیباشناختی، اقتصادی و نظری است. تحقیقات کوهن و آرنولد نیز نشان دادند که نوجوانان در ۱۲ تا ۱۵ سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند و نوجوانان به شدت تحت تأثیر ویژگیهای محیط و ارزشها و باورهای گروه همسن و همکلاسی خود قرار می‌گیرند و از آنان پیروی می‌کنند. در تحقیق اکلس و همکاران (۱۹۹۸) نیز نشان داده شد که تغییر در مقطع و پایه تحصیلی باعث تغییر در عقاید، ارزشها و رفتارهای نوجوانان می‌شود.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه چهارم، می‌توان گفت که بین سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد. سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان شهری به ترتیب: دینی، اجتماعی، سیاسی، نظری، زیباشناختی و اقتصادی است و دانش‌آموزان روستایی به ترتیب: دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظری و زیباشناختی است. از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری نظام ارزشی در دانش‌آموزان و نوجوانان بافت جغرافیایی و موقعیت زندگی آنهاست. از آنجایی که دانش‌آموزان در بافتهای جغرافیایی مختلف در معرض پیامهای متفاوتی از ارزشها، باورها، نگرشها و تفکرات می‌باشند، لذا چنین محرکهای محیطی می‌تواند در شکل‌گیری نظام‌های ارزشی آنها سهیم باشند. وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تفهیم معیارهای اخلاقی و ارزشی و شکل‌دهی رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. کوهن راز (۱۹۸۲) نیز در تحقیق خود به نتیجه همسان با تحقیق حاضر دست یافته بود. او به این نتیجه رسید که تغییر در شرایط و اوضاع و احوال و محیط می‌تواند باعث تغییر در عقاید، ارزشها و انگیزه‌های نوجوانان شود (نقل از احدی و محسنی، ۱۳۷۰).

مورگادو^۱ (۱۹۹۵) در تحقیق خود نشان داد که نظام ارزشی افراد ممکن است بر رفتارهای مختلف آنها تأثیر بگذارد. همچنین او بر اساس یک مطالعه طولی^۲ به این نتیجه رسید که حتی بین ارزشهای فردی و لباس پوشیدن رابطه وجود دارد.

کیتا و سینتارزیک^۳ (۱۹۹۴) در تحقیقی زیر عنوان «نگرشهای والدین و بحران ارزشها در نوجوانان» دریافتند که نگرشهای والدین می‌تواند در ایجاد یک نظام ارزشی

پایا و با ثبات در نوجوانان مؤثر باشد. هر قدر بین نگرشها و ارزشهای والدین و نوجوانان همسانی بیشتر باشد، نوجوانان کمتر به بحران ارزشی^۱ مبتلا می‌شوند. وجسیسزک^۲ (۱۹۸۷) در مطالعه خود بر روی ۶۸ نوجوان دختر و پسر لهستانی دریافت که همبستگی مثبت بین رفتار و ارزش وجود دارد. همچنین او دریافت که بین رجحان ارزشی و تعهد ارزشی در دختران و پسران رابطه وجود دارد.

براندت استادتر^۳ و همکارانش (۱۹۸۹) در بررسیهای خود به این نتیجه دست یافتند که با گذشت زمان تعهد ارزشی افزایش یافته و جهتگیری ارزشی افراد به سوی کمال، خودشکوفایی، معناجویی و هدفمندی در زندگی سوق می‌یابد. مک کارتی و شروم^۴ (۱۹۹۴) دریافتند که بین ارزشهای شخصی، جهتگیری‌های ارزشی، نگرشها و رفتار افراد در موقعیت‌های شغلی ارتباط وجود دارد.

نتایج این تحقیق نشان داد که ارزش دینی در نظر کلیه دانش‌آموزان مورد تحقیق بالاترین رتبه را دارد. این امر حاصل تلاش کلیه سازمانها و بویژه، نظام آموزش و پرورش است که توانسته‌اند دیدگاه مثبت نسبت به دین در نوجوانان ایجاد کنند. با توجه به اینکه نتایج نشان داد که سلسله‌مراتب ارزشهای دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت است. لذا توصیه می‌شود در تنظیم هرگونه برنامه آموزشی و تربیتی برای دانش‌آموزان این تفاوتها مد نظر قرار گیرد.

چون ارزشها نسبتاً با ثبات و پُر دوام هستند، لذا به مسؤلان فرهنگی و آموزشی و تربیتی توصیه می‌شود با برنامه‌ریزی درست و تداوم برنامه‌های آموزشی برگرفته از فرهنگ دینی و ملی در تثبیت ارزشها، ایجاد ارزشهای متناسب با رشد مرحله سنی نوجوانان و پایداری ارزشهای مثبت تلاش نمایند.

با توجه به نتایج پژوهشها و وجود ارتباط بین ارزشهای نوجوانان با جنبه‌های مختلف رفتار، نگرش، عادات، تفکر و احساسات آنها توصیه می‌شود که مسؤلان به رشد و ایجاد نظام ارزشی در نوجوانان توجه داشته باشند.

1- Value crisis

2- Wojciszke

3- Brandt stadter

4- McCarty & Shrum

منابع و مأخذ

- احدی، حسن و نیکچهره محسنی. (۱۳۷۰)، روان‌شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی، تهران؛ چاپ و نشر بنیاد.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۶۹)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان؛ انتشارات مشعل.
- روشه، گی. (۱۹۸۹)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده (۱۳۷۰)، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- زمردیان، زهرا. (۱۳۵۱)، پژوهشی درباره تست بررسی ارزشها، دانشگاه تهران.
- شمسیان، داود. (۱۳۷۲)، بررسی سلسله‌مراتب ارزشهای نوجوانان و جوانان دختر و پسر تهران، چکیده تحقیقات تربیتی (۲)، دفتر مشاوره و تحقیق معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ناشر امور عمومی معاونت پرورشی.
- قشلاقی، محمد. (۱۳۷۱)، روان‌شناسی رشد در دوره نوجوانی، اصفهان؛ انتشارات مولانا.
- کریمی، یوسف. (۱۳۶۸)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران؛ انتشارات دانشگاه پیام نور.
- گیلک، عبدالامیر. (۱۳۷۳)، سلسله‌مراتب (پایگاه) ارزشهای نوجوانان دختر و پسر، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- وندر زندن، جیمز دبلیو. (۱۹۹۶)، روان‌شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی (۱۳۷۶)، تهران؛ انتشارات بعثت.
- Anastasi, A. (1990), *Psychological testing*, sixth edition, by Macmillan Inc.
- Berk, L.E. (1994), *Child development*, Third edition, by Allyn and Bacon.
- Brandtstadter, J; Renner, G; Baltes-Gotz, B. (1999), Development of value systems in adulthood. *Journal of Zeitschrift-Fur-Entwicklung Spychologie* Vol. 21 (1)-3-23.
- Eccles, J.S.; WigFtield, A; Flanagan, C.A; Miller, C, (1998), Self-concepts, domain Values, and self-esteem: Relations and changes at early adolescence. *Journal of Personality*, Jun Vol. 57(2). 283-310.

- Kluchhohn, F.R. and strodbeck, F.L. (1961), *Variations in value orientation*, Row, peterson company.
- Hergenhahn, B.R. and Olson, M.H. (1999), *An introduction to theories of personality*. Fifth edition, by prentice-Hall, Inc.
- Kita, B; Sitarczyk, M. (1994), Parental attitudes and the value crisis in adolescents. *Journal of psychologia-Wychowawcza*, Vol. 37(4) 330-343.
- Lee, V.E; Marks, H.M. (1990), Sustained effects of the single-sex secondary school experience on attitudes, behaviors, and values in college, *Journal of educational psychology*, sep Vol. 82(3)0 578-592.
- McCarty, J.A, & Shrum, L.J. (1994), Personal values, value orientations, attitudes, and behavior, *Journal of Business-Research*, May Vol. 30(1), 53-62.
- Morgado, M.A. (1995), personal values and dress, *Journal of clothing and textiles-research*, Vol. 13(2) 139-148.
- Obidi, S. S. (1993), A study of the reactions of secondary grammar school students to indigenous moral values in Nigeria, *Journal of Negro-Education*, Win Vol. 62(1) 82-99.
- Sarason, I. G; Sarason, B.R. (1998), *Abnormal Psychology: the problem of Maladaptive behavior*, by prentice-Hall Inc.
- Wojciszke, B. (1987), The influence of self-structure on value-behavior consistency. A correlational study. *Journal of psychologia-Wychowowcza*, May-Jun Vol. 30(3) 272-284.